



دانشگاه اصفهان
دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی
گروه علوم تربیتی

پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته فلسفه آموزش و پرورش

بررسی مبانی، اصول و روش‌های تربیت اخلاقی از دیدگاه امام صادق (ع)

استاد راهنما:

دکتر محمدحسین حیدری

استاد مشاور:

دکتر محمد نجفی

پژوهشگر:

فاطمه شمس‌الدینی

شهریورماه ۱۳۹۲

چکیده

اخلاق یکی از ارکان اساسی فرهنگ بشری است و لذا «تربیت اخلاقی»، از دیرباز مورد توجه پیامبران، مصلحان اجتماعی، اندیشمندان و مربیان قرار گرفته است. از آنجا که در دین مبین اسلام، اخلاق و تربیت اخلاقی، آبشخور اعتقادی و معنوی دارد، رجوع به آراء و افکار بزرگان دین از جمله پیامبر(ص) و ائمه اطهار(ع) می‌تواند الهام بخش برنامه‌های تربیت اخلاقی باشد. هدف این پژوهش که با روش تحلیلی - اسنادی انجام گرفته، بازشناسی و تبیین مبانی، اصول و روش‌های تربیت اخلاقی از دیدگاه امام صادق(ع) به مثابه یکی از نظریه‌پردازان اصلی جهان تشیع بوده است. بدین منظور، احادیث و سیره عملی ایشان است و همچنین مطالبی که در شرح و تفسیر این روایات نگاشته شده، مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته. در مکتب جعفری، مبانی، اصول و روش‌های تربیت اخلاقی همسوبا هدف غائی تربیت یعنی قرب الهی تعریف می‌شود. بر این اساس، مهم‌ترین نتایج و دستاوردهای این تحقیق عبارت است از شناسایی مبانی تربیت اخلاقی از جمله خداجویی، اندیشه‌ورزی و عقلانیت، کرامت، ضعف، هدایت‌پذیری انسان، جذب‌ه حسن و احسان، و شناسایی اصول تربیت اخلاقی شامل تقوی و زهد، اعتدال، عزت، سعه صدر، مسامحت، تبلیغ و ارشاد، تعلیم، فضل، تواضع، تذکر، آراستگی. برای تحقق این اصول، روش‌هایی مانند مراقبه و محاسبه نفس، مجاهده و تحمیل بر نفس، روش پرهیز از معاصی، روش اعتدال بیم و امید، امر به معروف و نهی از منکر، روش یادآوری نعمت‌ها، روش عبرت‌آموزی، روش عفو و گذشت، روش تکریم شخصیت، روش عیب پوشی، موعظه به عنوان روش‌های دفع و درمان رذایل شناسایی شده است. همچنین نتایج نشان داد که موانع و آسیب‌های تربیت اخلاقی ناشی از عدم شناخت حقیقی از خود، عدم شناخت صحیح فضایل اخلاقی و خروج از اعتدال، غفلت و سهل‌انگاری است.

واژه‌های کلیدی: تربیت اخلاقی، مبانی تربیت اخلاقی، اصول تربیت اخلاقی، روش‌های تربیت اخلاقی، امام صادق (ع)

فهرست مطالب

صفحه

عنوان

فصل اول: کلیات پژوهش

| | | |
|-------|-----------------------------|----|
| ۱-۱ | مقدمه | ۱ |
| ۲-۱ | شرح و بیان مسئله‌ی پژوهشی | ۳ |
| ۳-۱ | اهداف پژوهش | ۶ |
| ۱-۳-۱ | هدف کلی | ۶ |
| ۲-۳-۱ | اهداف اختصاصی | ۶ |
| ۴-۱ | اهمیت و ارزش پژوهش | ۶ |
| ۵-۱ | کاربرد نتایج | ۷ |
| ۶-۱ | سوالات ویژه تحقیق | ۸ |
| ۷-۱ | روش تحقیق و گردآوری اطلاعات | ۸ |
| ۸-۱ | تعریف مفاهیم | ۹ |
| ۱-۸-۱ | تربیت اخلاقی | ۹ |
| ۲-۸-۱ | مبانی تربیت اخلاقی | ۹ |
| ۳-۸-۱ | اصول تربیت اخلاقی | ۹ |
| ۴-۸-۱ | روشهای تربیت اخلاقی | ۱۰ |

فصل دوم: مبانی نظری پژوهش

| | | |
|--------|---|----|
| ۱-۲ | مقدمه | ۱۱ |
| ۲-۲ | ابعاد شخصیتی (علمی، رفتاری) امام صادق (ع) | ۱۲ |
| ۳-۲ | تولد و شهادت | ۱۲ |
| ۴-۲ | اوضاع سیاسی و اجتماعی عصر امام صادق علیه‌السلام | ۱۳ |
| ۵-۲ | جایگاه علمی امام صادق (ع) | ۱۷ |
| ۶-۲ | مناظرات علمی امام صادق (ع) | ۱۷ |
| ۷-۲ | تألیفاتی که به امام صادق (ع) نسبت داده شده | ۱۷ |
| ۸-۲ | ایجاد یک نظام فقهی | ۱۸ |
| ۹-۲ | شاگرد پروری امام صادق (ع) | ۱۸ |
| ۱۰-۲ | شاگردان امام صادق (ع) | ۲۰ |
| ۱۱-۲ | نقش امام در تثبیت شیعه | ۲۲ |
| ۱۲-۲ | فضایل امام صادق (ع) در نظر اهل سنت | ۲۳ |
| ۱۳-۲ | ویژگی‌های شخصیتی امام صادق (ع) | ۲۶ |
| ۱-۱۳-۲ | علم و دانش بی‌نظیر | ۲۶ |
| ۲-۱۳-۲ | عبادت | ۲۷ |
| ۳-۱۳-۲ | بخشندگی | ۲۷ |
| ۴-۱۳-۲ | زهد | ۲۸ |

| عنوان | صفحه |
|---|------|
| ۵-۱۳-۲. شکیبایی..... | ۲۸ |
| ۱۴-۲. معنای لغوی اخلاق..... | ۲۹ |
| ۱۵-۲. معانی اصطلاحی اخلاق..... | ۳۰ |
| ۱۶-۲. اهمیت اخلاق..... | ۳۰ |
| ۱۷-۲. اخلاق در دین اسلام..... | ۳۱ |
| ۱۸-۲. جایگاه تربیت اخلاقی در اسلام..... | ۳۲ |
| ۱۹-۲. علوم مربوط به اخلاق..... | ۳۳ |
| ۱-۱۹-۲. علم اخلاق..... | ۳۳ |
| ۲-۱۹-۲. فلسفه علم اخلاق..... | ۳۳ |
| ۳-۱۹-۲. تعلیم و تربیت..... | ۳۳ |
| ۴-۱۹-۲. اخلاق توصیفی..... | ۳۳ |
| ۵-۱۹-۲. اخلاق نقلی..... | ۳۳ |
| ۶-۱۹-۲. فلسفه اخلاق یا فرا اخلاق..... | ۳۴ |
| ۲۰-۲. رابطه اخلاق با تربیت..... | ۳۴ |
| ۲۱-۲. تربیت اخلاقی..... | ۳۵ |
| ۲۲-۲. تأثیر تربیت بر اخلاق..... | ۳۶ |
| ۲۳-۲. تاریخچه اندیشه‌ها و رویکردها در تربیت اخلاقی..... | ۳۶ |
| ۲۴-۲. رویکرد اندیشمندان مسلمان به تربیت اخلاقی..... | ۳۷ |
| ۲۵-۲. رویکردهای تربیت اخلاقی..... | ۳۷ |
| ۱-۲۵-۲. رویکرد فلسفی..... | ۳۷ |
| ۲-۲۵-۲. رویکرد عرفانی..... | ۳۸ |
| ۳-۲۵-۲. رویکرد نقلی..... | ۳۹ |
| ۴-۲۵-۲. رویکرد تلفیقی..... | ۳۹ |
| ۵-۲۵-۲. رویکرد تطبیقی..... | ۳۹ |
| ۲۶-۲. رویکرد اندیشمندان متقدم مسلمان به تربیت اخلاقی..... | ۳۹ |
| ۱-۲۶-۲. رویکرد ابن سینا..... | ۳۹ |
| ۲-۲۶-۲. رویکرد فارابی..... | ۴۰ |
| ۳-۲۶-۲. رویکرد ابن مسکویه..... | ۴۰ |
| ۴-۲۶-۲. رویکرد خواجه نصیرالدین طوسی..... | ۴۰ |
| ۵-۲۶-۲. رویکرد ملا احمد نراقی..... | ۴۱ |
| ۶-۲۶-۲. رویکرد فیض کاشانی..... | ۴۱ |
| ۲۷-۲. رویکرد اندیشمندان معاصر مسلمان به تربیت اخلاقی..... | ۴۱ |
| ۱-۲۷-۲. علامه محمد حسین طباطبایی..... | ۴۱ |
| ۲-۲۷-۲. محمدتقی جعفری..... | ۴۲ |
| ۳-۲۷-۲. مرتضی مطهری..... | ۴۳ |

| عنوان | صفحه |
|---|------|
|محمدتقی مصباح یزدی. ۴-۲۷-۲ | ۴۳ |
|جعفر سبحانی. ۵-۲۷-۲ | ۴۴ |
|پیشینه تحقیق. ۲۸-۲ | ۴۴ |
| فصل سوم: دیدگاه امام صادق (ع) پیرامون اخلاق | |
|۱-۳ مقدمه | ۴۷ |
|۲-۳ شمایی از دیدگاه‌های بنیادین امام صادق (ع) در اخلاق | ۴۸ |
|۳-۳ ویژگی‌های حسن خلق از منظر کلام امام صادق | ۴۹ |
|۱-۳-۳ اخلاق رمز زندگی گوارا | ۴۹ |
|۲-۳-۳ اخلاق سرمایه زندگی | ۵۰ |
|۳-۳-۳ اخلاق نشانه بزرگواری | ۵۰ |
|۴-۳-۳ اخلاق زینت اسلام | ۵۱ |
|۵-۳-۳ اخلاق تقویت سلامتی و سعادت | ۵۱ |
|۶-۳-۳ اخلاق تقویت پیوند دوستی | ۵۱ |
|۷-۳-۳ اخلاق مقدمه عقلانیت | ۵۲ |
|۸-۳-۳ اخلاق ودیعه الهی به برگزیدگان الهی | ۵۲ |
|۴-۳ نمونه‌های عینی از مکارم اخلاق | ۵۲ |
|۵-۳ ثمرات خوش خلقی | ۵۳ |
|۱-۵-۳ فراوانی رزق | ۵۴ |
|۲-۵-۳ طولانی شدن عمر | ۵۴ |
|۳-۵-۳ پاک شدن گناهان | ۵۵ |
|۴-۵-۳ زینت دنیا و آخرت | ۵۵ |
|۵-۵-۳ ثواب بی‌پایان | ۵۵ |
|۶-۳ پیامدهای زیانبار بدخلقی | ۵۵ |
|۱-۶-۳ بدخلقی تباه کننده عمل | ۵۵ |
|۲-۶-۳ خارج شدن از گروه شیعیان واقعی | ۵۶ |
|۷-۳ دعوت به پیروی از اخلاق حسنه | ۵۶ |
|۱-۷-۳ بیدارسازی وجدان‌ها | ۵۶ |
|۲-۷-۳ تشویق به تفکر | ۵۷ |
|۳-۷-۳ راهنمایی و تذکر | ۵۷ |
|۴-۷-۳ تبلیغ عملی | ۵۸ |
|۵-۷-۳ دانش اندوزی | ۵۸ |
|۶-۷-۳ استفاده از فرصت‌ها | ۵۸ |
|۷-۷-۳ رعایت اعتدال | ۵۹ |
|۸-۷-۳ تدبّر در قرآن | ۵۹ |

عنوان

صفحه

فصل چهارم: اندیشه‌های تربیتی و اخلاقی امام صادق (ع)

| | |
|----|---|
| ۶۰ | ۱-۴. مقدمه |
| ۶۱ | ۲-۴. مبانی، اصول و روش‌های تربیت اخلاقی |
| ۶۱ | ۱-۲-۴. فطرت خداجوی انسان |
| ۶۲ | ۲-۲-۴. اصل تقوا و زهد |
| ۶۳ | ۳-۲-۴. روش مراقبه و محاسبه نفس |
| ۶۴ | ۴-۲-۴. روش مجاهده و تحمیل بر نفس |
| ۶۴ | ۵-۲-۴. روش پرهیز از معاصی |
| ۶۵ | ۶-۲-۴. مبنای اندیشه‌ورزی و عقلانیت |
| ۶۵ | ۷-۲-۴. اصل اعتدال |
| ۶۶ | ۸-۲-۴. روش اعتدال بیم و امید |
| ۶۶ | ۹-۲-۴. روش میانه روی و اعتدال در کارها و عبادات |
| ۶۷ | ۱۰-۲-۴. اصل تذکر |
| ۶۷ | ۱۱-۲-۴. روش امر به معروف و نهی از منکر |
| ۶۸ | ۱۲-۲-۴. روش یادآوری نعمت‌ها |
| ۶۸ | ۱۳-۲-۴. روش عبرت آموزی |
| ۶۹ | ۱۴-۲-۴. مبنای کرامت |
| ۷۰ | ۱۵-۲-۴. اصل عزت |
| ۷۱ | ۱۶-۲-۴. روش تکریم شخصیت |
| ۷۱ | ۱۷-۲-۴. روش عیب پوشی |
| ۷۲ | ۱۸-۲-۴. مبنای ضعف |
| ۷۲ | ۱۹-۲-۴. اصل سعه صدر |
| ۷۲ | ۲۰-۲-۴. روش انعطاف‌پذیری |
| ۷۳ | ۲۱-۲-۴. روش صبر |
| ۷۳ | ۲۲-۲-۴. اصل مسامحت |
| ۷۴ | ۲۳-۲-۴. روش مرحله نمودن تکالیف |
| ۷۴ | ۲۴-۲-۴. روش تجدید نظر تکالیف |
| ۷۵ | ۲۵-۲-۴. مبنای هدایت‌پذیری انسان |
| ۷۵ | ۲۶-۲-۴. اصل تبلیغ و ارشاد |
| ۷۵ | ۲۷-۲-۴. روش مناظره و مباحثه |
| ۷۶ | ۲۸-۲-۴. روش موعظه |
| ۷۶ | ۲۹-۲-۴. اصل تعلیم |
| ۷۷ | ۳۰-۲-۴. روش توأم کردن علم و عمل |
| ۷۷ | ۳۱-۲-۴. روش ایجاد عادت مطلوب |
| ۷۸ | ۳۲-۲-۴. روش آسوه سازی |

| صفحه | عنوان |
|------|--|
| ۷۸ | ۳۳-۲-۴. مبنای جذبه حسن واحسان..... |
| ۷۹ | ۳۴-۲-۴. اصل فضل..... |
| ۷۹ | ۳۵-۲-۴. روش عفو وگذشت..... |
| ۷۹ | ۳۶-۲-۴. روش محبت..... |
| ۸۰ | ۳۷-۲-۴. روش توبه..... |
| ۸۱ | ۳۸-۲-۴. اصل تواضع..... |
| ۸۱ | ۳۹-۲-۴. روش خوش خلقی و خوش سلوکی..... |
| ۸۲ | ۴۰-۲-۴. روش اعتراف به تقصیر..... |
| ۸۲ | ۴۱-۲-۴. اصل آراستگی..... |
| ۸۳ | ۴۲-۲-۴. روش آراستن ظاهر..... |
| ۸۴ | ۴۳-۲-۴. روش تزئین کلام..... |
| ۸۵ | ۳-۴. آسیب‌ها و موانع تربیت اخلاقی از دیدگاه امام صادق (ع)..... |
| ۸۵ | ۴-۴. نگاهی به عوامل آسیب زا..... |
| ۸۵ | ۱-۴-۴. حب دنیا..... |
| ۸۶ | ۱-۱-۴-۴. آثار حب دنیای مذموم..... |
| ۸۷ | ۲-۱-۴-۴. راههای دل‌کندن از محبت دنیا..... |
| ۸۸ | ۲-۴-۴. زبان..... |
| ۸۹ | ۱-۲-۴-۴. آفت‌های زبان..... |
| ۹۱ | ۲-۲-۴-۴. درمان و اصلاح زبان..... |
| ۹۱ | ۳-۴-۴. خشم..... |
| ۹۲ | ۱-۳-۴-۴. مضرات غضب..... |
| ۹۳ | ۲-۳-۴-۴. درمان خشم..... |
| ۹۳ | ۴-۴-۴. حسد..... |
| ۹۵ | ۱-۴-۴-۴. ریشه‌های پیدایش حسد..... |
| ۹۶ | ۲-۴-۴-۴. شیوه‌های درمان حسادت..... |
| ۹۶ | ۵-۴-۴. دروغ..... |
| ۹۷ | ۱-۵-۴-۴. عوامل دروغ‌گویی..... |
| ۹۸ | ۲-۵-۴-۴. آثار دروغ..... |
| ۹۹ | ۳-۵-۴-۴. راه درمان دروغ..... |
| ۱۰۰ | ۶-۴-۴. عجب..... |
| ۱۰۰ | ۱-۶-۴-۴. عوامل ایجاد عجب..... |
| ۱۰۱ | ۲-۶-۴-۴. زیان‌ها و آفات عجب..... |
| ۱۰۲ | ۳-۶-۴-۴. علاج عجب..... |

فصل پنجم: بحث و نتیجه‌گیری

| | |
|-----|---|
| ۱۰۳ | ۱-۵. مقدمه |
| ۱۰۹ | ۲-۵. محدودیت‌ها |
| ۱۱۰ | ۳-۵. پیشنهادات |
| ۱۱۰ | ۱-۳-۵. پیشنهادات برای کار گزاران تربیتی |
| ۱۱۰ | ۲-۳-۵. پیشنهادات برای پژوهشگران |
| ۱۱۱ | منابع و مآخذ |

فهرست شکل‌ها

| صفحه | عنوان |
|----------|--|
| ۱۰۵..... | شکل (۱-۵) تبیین مبانی تربیت اخلاقی از دیدگاه امام صادق (ع) |
| ۱۰۶..... | شکل (۲-۵) اصول تربیت اخلاقی از دیدگاه امام صادق (ع) |
| ۱۰۷..... | شکل (۳-۵) تبیین روش‌های تربیت اخلاقی از دیدگاه امام صادق (ع) |
| ۱۰۹..... | شکل (۴-۵) آسیب‌ها و موانع تربیت اخلاقی از دیدگاه امام صادق (ع) |

فهرست جدول‌ها

| صفحه | عنوان |
|----------|--|
| ۸۴..... | جدول (۱-۴) تبیین مبانی، اصول و روش‌های تربیت اخلاقی از دیدگاه امام صادق (ع)..... |
| ۱۰۸..... | جدول (۱-۵) تبیین مبانی، اصول و روش‌های تربیت اخلاقی از دیدگاه امام صادق (ع)..... |

فصل اول

کلیات پژوهش

۱-۱. مقدمه

آدمی از آغاز تا پایان زندگی خویش بطور فطری به ارزش‌های اخلاق گرایش دارد و شخصیت وی همواره با معیار فضایل و رذایل اخلاقی محک می‌خورد و هرکس در این سنجش به امتیاز بالاتری دست یابد در خاطر مردمان و نزد خدای خود جایگاه رفیع و ارزشمند خواهد داشت. بدین جهت پیام آوران الهی در طول تاریخ بشریت با فراخونی امت‌ها به پرستش یگانه آفریدگار جهان، با تکیه بر ارزش‌های اصیل اخلاقی در همه ابعاد زندگی انسان را به رشد و رویش رهنمود می‌ساختند از همین سلسله سفیران الهی، پیام آور اسلام است که علت برانگیخته شدن خود را اتمام و اکمال سجایای اخلاقی بر می‌شمارد. ائمه معصومین (ع) نیز کسانی بودند که چون پیامبران برای این منظور از جانب خدا برگزیده شدند. به این جهت تمام فضایل معنوی و کمالات الهی به نحو کامل در وجود آنها فعلیت یافت و آنها نمونه‌های عینی کمال گردیدند و جامعه و فرد برای رسیدن به کمال انسانی باید از آنها پیروی و به آنها اقتدا کنند. لغزش‌ها و خطاها و گناهان در ساحت وجودی آنها راه نیافت و از این رو اقیانوس بیکران فضایل اخلاقی و معنوی آنها گسترده‌تر از گستره دید هر بیننده و عمیق‌تر از نظرگاه هر اندیشه و بالاتر از هر حوزه معرفتی هر خردمند بود. فلسفه وجودی آنها به عنوان رهبران الهی همین بود که گل‌های باغ پیامبران را به بار بنشانند و فلسفه بعثت پیامبران را تحقق بخشند. از این رو آنها از هر وسیله تبلیغی که در اختیار داشتند و از هر فرصتی که پیش می‌آمد واز هر شرایطی که مساعد می‌گردید به نحو کامل استفاده نموده و برای تعالی، تربیت جامعه می‌کوشیدند تا افراد را به صورت فردی و جامعه را به صورت جمعی به سوی فضایل اخلاقی و عبادت پروردگار رهنمون سازند (وائقی زاده، ۱۳۸۸، ص ۲۷).

اخلاق و تربیت اخلاقی به دلیل نقش مهمی که در سرنوشت انسان و جامعه دارد، از دیر باز مورد توجه اندیشمندان بشری و پیشوایان دینی بوده است. قسمت اعظم آموزه‌های دینی یهود، مسیحیت، اسلام و دیگر ادیان را اخلاقیات و قسمت بیشتر فعالیت‌های اولیای دین‌های مختلف را تربیت اخلاقی تشکیل می‌دهد تا

آنجایی که خواجه نصیر طوسی هدف اصلی تربیت اخلاقی را ایجاد و استقرار منشهای معینی می‌داند که انسان را به سعادت و کمال و بالاترین مرتبه سعادت یعنی نایل شدن به جوار رب العالمین می‌رساند (طوسی، ۱۳۶۰، ص ۶۴).

همچنین شهید مطهری ضرورت تربیت اخلاقی، را دست‌یابی به سعادت، کمال، لذت، ارزش‌های انسانی، فضیلت دوستی و دوری از رذایل می‌داند (مطهری، ۱۳۷۶، ص ۳۷).

تربیت اخلاقی "از مهم‌ترین اهداف بعثت انبیاء بوده و جایگاه ویژه‌ای در فرهنگ اسلامی، بویژه سیره معصومین (ع) دارد" (بناری، ۱۳۷۹، ص ۵۴۰). همچنین، "موضوعی میانه رشته‌ای است که از یک سو، با روان‌شناسی و از سوی دیگر با علوم تربیتی و اخلاق ارتباط دارد. علم اخلاق ارزش‌های مقبول را در اختیار تربیت اخلاقی قرار می‌دهد و به او می‌گوید چه ارزشهایی را باید به دانش‌آموزان بیاموزد و علوم تربیتی اصول و روش‌های عام تربیت را در اختیار این موضوع قرار می‌دهد. تربیت اخلاقی در آثار مسلمانان، بخشی از علم اخلاق بوده است و در ضمن آن مطرح می‌شده است" (داودی، ۱۳۸۸، ص ۱۸). در بحث تربیت اخلاقی، دو حیطه مهم "تربیت" و "اخلاق" به عنوان دو رکن در تربیت اخلاقی، مورد مطالعه قرار می‌گیرد. از این رو تربیت اخلاقی حیطه‌ای است که وام‌دار دو حوزه "اخلاق" و "تربیت است؛" به این بیان که در رکن اول، از اخلاق و در رکن دوم از تربیت مدد می‌جوید و از آنجا که در اخلاق بیش‌ترین تأکید بر خودسازی و تربیت بر دیگرسازی است، تربیت اخلاقی نیز خودسازی و دیگرسازی را شامل می‌شود (بناری، ۱۳۷۹، ص ۵۴۰).

در حوزه تعلیم و تربیت مربیان بزرگ الهی همواره منبعی برای شناخت اندیشه‌های تربیتی بوده‌اند. این مربیان الهی در سنت‌های فکری و عملی خود همیشه در پی هدایت مردم و رسیدن آنها به کمال بودند. یکی از این مربیان بزرگ الهی امام صادق (ع) می‌باشد، ایشان در زمانی می‌زیسته اند که یک نهضت عظیم فکری و علمی و فرهنگی در میان مسلمین پیداشد که نخله‌ها و مذهب‌ها در اصول دین و فروع دین به وجود آمد. و مسلمانان در این زمان محو فتح دروازه‌های علم و فرهنگ شدند. کشمکش امویها و عباسیها زمانی مناسبی بود برای تعلیم و ارشاد، حل معضلات علمی در معارف و احکام و اخلاق. شهرت علمی امام در بلاد اسلامی آن چنان چشم‌گیر و زبانه‌دخا و عام بود که از نقاط بسیار دور سرزمین اسلامی برای کسب فیض به مدینه و حوزه درس او می‌آمدند و از دریای بی‌کران علوم الهی او بهره می‌بردند. حتی بسیاری از متفکران غیرمسلمان نیز برای مذاکره علمی با امام به خدمتش می‌رسیدند و حضرت به میزان سطح درک و علمشان پاسخ می‌گفتند. آن امام در این فرصت توانست وسیع‌ترین دانشگاه اسلامی را پی‌ریزی کند و در این راستا توفیقات سرشاری به دست آورد، به طوری که حدود ۴ هزار نفر از مجلس درس او با واسطه و بدون واسطه استفاده می‌کردند و بسیاری از آنان به مقامات عالی علمی و فقهی نایل شدند. امام صادق (ع) توسط شاگردانش دستورالعمل‌های فردی، اخلاقی، اجتماعی و تربیتی را به مسلمان آموزش داد. از نظر امام صادق (ع)، نیاز به اخلاق یک نیاز بشری و انسانی است و به جامعه خاصی اختصاص ندارد و تنها نزدیکی به خداوند شرط اساسی آن است، در این باره امام صادق (ع) می‌فرماید "لایکون حسن الخلق الا فی کل ولی وصفی ولایعلم مافی حقیقه حسن الخلق الا الله تعالی؛ حسن خلق یافته نمی‌شود مگر در وجود دوستان و برگزیدگان خداوند و آن چه در حقیقت خلق نیکوست، جز خداوند متعال کسی نمی‌داند". رئیس مکتب جعفری نه تنها به بیان موارد و مصداق‌های عینی آن نیز پرداخته تا مسأله مذکور، سیره خود برای ثمربخش بودن آن در جامعه به بیان موارد و مصداق‌های عینی آن نیز پرداخته تا مسأله مذکور، ملموس‌تر و محسوس‌تر شود. از آن حضرت در مورد مکارم اخلاق سوال شد، فرمود "لاغیش آهنأمن حُسن الخلق؛ هیچ زندگی گوارتر از نیک خوئی نیست (وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۵۷۱). این حدیث به خوبی می‌رساند که اگر زندگی اجتماعی، خانوادگی و حتی انفرادی توأم با اخلاق باشد، برخوردار از شادی و نشاط خواهد بود.

۱-۲. شرح و بیان مسئله‌ی پژوهشی

اخلاق جمع خُلق و به معنای نیرو و سرشت باطنی انسانی است که تنها بادیده بصیرت و غیر ظاهر قابل درک است. همچنین "خلق" را صفت نفسانی راسخ نیز می‌گویند که انسان، افعال متناسب با آن صفت را بی‌درنگ، انجام می‌دهد. مثلاً فردی که دارای "خلق شجاعت" است، در رویارویی با دشمن، تردید به خودراه نمی‌دهد (دیلمی و آذربایجانی، ۱۳۸۵، ص ۱۵). "راغب اصفهانی" درباره این واژه می‌گوید "خُلُق و خُلُق دراصل یکی هستند، لکن خُلُق به هیئات، اشکال و صورت‌هایی که با چشم درک می‌شود اختصاص یافته و خُلُق به قوا و سجایایی که بصیرت درک می‌شود مختص شده است" (راغب اصفهانی، ۱۳۶۲، ق، ص ۱۵۸). بنابراین براساس دیدگاه لغت شناسان، مشخص می‌شود که خُلُق صفت و کیفیت درونی و ثابت در نفس انسان است و جنبه ظاهری و بیرونی ندارد و به راحتی از نفس زایل نمی‌گردد. ابوعلی مسکویه در کتاب "تطهیرالاعراق" می‌گوید:

الخلق حالٌ للنفس داعیه لها الی افعالها من غیر فکر ولا روه "خُلُق حالی است برای روح و نفس انسان که او را بدون فکر و تأمل به سوی کارهایی بر می‌انگیزند. استاد مطهری در تعریف اخلاق می‌گوید: "اخلاق عبارت است از یک سلسله خصلت‌ها و سجایا و ملکات اکتسابی که بشر آنها را به عنوان اصول اخلاقی می‌پذیرد؛ به عبارتی دیگر، قالبی روحی برای انسان که روح انسان در آن کادر و طبق آن طرح و نقشه ساخته می‌شود." در واقع اخلاق چگونگی روح انسان است (امید، ۱۳۸۸، ص ۳۰۸). محمدتقی جعفری در تعریف اخلاق می‌گوید: "اخلاق عبارت است از شکوفا شدن همه ابعاد مثبت انسانی در مسیری که ربه هدف‌های زندگی در پیش گرفته است" (علامه جعفری، ۱۳۷۶، ص ۶۲). علامه طباطبایی نیز در این باره می‌گوید:

"خُلُق عبارت است از ملکه نفسانی که افعال از آن صادر می‌شود و به فضیلت و ردیلت تقسیم می‌گردد" (طباطبایی، ۱۴۱۷، ق، ص ۳۶۹). از مجموع آن چه از علمای اخلاق نقل گردید، معلوم می‌شود که خُلُق امری نفسانی و راسخ در نفس است که موجب می‌شود افعال به آسانی از انسان صادر شود. بنابراین بامقیسه ساده آن با آن چه از لغویان نقل شد، می‌توان گفت که علمای اخلاق در بیان معنای "خُلُق" از لغویان متأثر بوده‌اند. بنابراین سعادت فردی و اجتماعی انسان در گرو پاک‌سازی و تهذیب نفس از آلودگی‌ها و آراستن آن به فضایل اخلاقی است. انسان همچنان که می‌کوشد اندیشه خود را بارور سازد و حقایق علمی را دریابد و همواره در این امر پیشرفت کند به اوست که برای تزکیه روح خویش با فضائل اخلاقی تلاش کند. حتی بدون در نظر گرفتن از بعد دینی اخلاق، فضائل اخلاقی از ضروریات حیاتی جامعه سعادت‌مند و بافضیلت است. پس اگر به امید بهشت نیستیم و از آتش عقاب و ثواب پروایی نداریم، باز هم بر ماست که در پی مکارم و تربیت اخلاق باشیم چرا که این مکارم و تربیت انسان را به نجات هدایت می‌کند (عربانی، ۱۳۸۶، ص ۲۴). دین اسلام برای اخلاق اهمیت فراوانی قائل است، چنان چه همواره در طول تاریخ بشریت موضوع اخلاق و تربیت اخلاقی توجه انبیاء و اولیای الهی، فیلسوفان و اندیشمندان را به خود جلب کرده. و یکی از دغدغه‌های اصلی فیلسوفان، عارفان و محدثان و به طور کلی هر که به شناخت انسان و نجات اومی‌اندیشد-توجه به بعد تربیت اخلاقی است" (نجرزادگان، ۱۳۸۸، ص ۲۳-۲۴). یکی از غایات مهم بعثت که پیامبر اکرم (ص) آن را بیان فرموده، تتمیم و تکمیل خلق‌های فاضل و صفات می‌باشد اخلاقی است (انی بُعثتُ لأتممّ مکارم الاخلاق). (امید، ۱۳۸۸، ص ۳۰۸). از حدیث فوق به خوبی استفاده می‌شود که نیاز به اخلاق یک نیاز بشری و انسانی است و فرد و یا جامعه دینی اختصاص ندارد.

مراد از تربیت اخلاقی، چگونگی به کارگیری و پرورش استعدادها و قوای درونی، برای توسعه و تثبیت صفات و رفتارهای پسندیده اخلاقی و نیل به فضائل عالی اخلاقی و دوری از ردیلت‌ها و ناپدید کردن آنها است (دیلمی و آذربایجانی، ۱۳۸۵، ص ۱۷).

”تربیت اخلاقی” نیز به عنوان یکی از جلوه‌های متعالی تعلیم و تربیت که هدف عمده آن رشد اخلاقی شاگردان به گونه‌ای است که آنان را افرادی ”نیک و خیر” بارآوردامری است که مربیان و معلمان ناچارند مستقیم و غیرمستقیم بدان توجه نمایند (رهنما، ۱۳۷۸، ص ۱). ”به نظر برخی از بزرگان این از مشکل‌ترین مسایل فکری و پیچیده‌ترین مباحث فلسفی بشر است. به عبارتی توجه به تربیت اخلاقی اهتمام به شناخت انسان و ارزشهای او و گشودن مسیر سعادت به روی او میباشد.

”تربیت اخلاقی” نیز به عنوان یکی از جلوه‌های متعالی تعلیم و تربیت که هدف آن رشد اخلاقی شاگردان به گونه‌ای است که آنان افرادی ”نیک و خیر” بارآوردامری است که مربیان و معلمان ناچارند مستقیم و غیرمستقیم بدان توجه نمایند (سناری^۱، ۱۹۹۲، ص ۸۵۶).

ائمه اطهار نیز به اخلاق متفاوت ویژه داشته‌اند. چنان چه امام سجاد (ع) از خداوند تقاضا می‌کند: ”برای من اخلاق نیکو و صفات پسندیده عطا فرما و مرا از فخر فروشی و به خود بالیدن نگه دار” (صحیفه سجادیه، دعای ۲۰). به همین سبب، این موضوع از دیرباز در مکتب تشیع و فرهنگ اسلامی مورد توجه بوده.

یکی از امامان بزرگ که در مکتب تشیع به طور مشخص از تربیت اخلاقی سخن گفته امام جعفر صادق (ع) است، ایشان در زمانی می‌زیسته اند که یک نهضت عظیم فکری و علمی و فرهنگی در میان مسلمین پیداشده که نحله‌ها و مذاهب‌ها در اصول دین و فروع دین به وجود آمد. و مسلمانان در این زمان محور فتح دروازه‌های علم و فرهنگ شدند. کشمکش امویها و عباسیها زمانی مناسبی بود برای تعلیم و ارشاد، حل معضلات علمی در معارف و احکام و اخلاق. شهرت علمی امام در بلاد اسلامی آن چنان چشم‌گیر و زبانزد خاص و عام بود که از نقاط بسیار دور سرزمین اسلامی برای کسب فیض به مدینه و حوزة درس ا و می‌آمدند و از دریای بی‌کران علوم الهی ا و بهره می‌بردند. حتی بسیاری از متفکران غیرمسلمان نیز برای مذاکره علمی با امام به خدمت می‌رسیدند و حضرت به میزان سطح درک و علمشان پاسخ می‌گفتند. آن امام در این فرصت توانست وسیع‌ترین دانشگاه اسلامی را پی‌ریزی کند و در این راستا توفیقات سرشاری به دست آورد، به طوری که حدود ۴ هزار نفر از مجلس درس او با واسطه و بدون واسطه استفاده می‌کردند و بسیاری از آنان به مقامات عالی علمی و فقهی نایل شدند. امام صادق (ع) توسط شاگردانش دستورالعمل‌های فردی، اخلاقی، اجتماعی و تربیتی را به مسلمان آموزش داد. از نظر امام صادق (ع)، نیاز به اخلاق یک نیاز بشری و انسانی است و به جامعه خاصی اختصاص ندارد و تنها نزدیکی به خداوند شرط اساسی آن است، در این باره امام صادق (ع) می‌فرماید ”لایکون حسن الخلق الا فی کل ولی و صفی و لایعلم مافی حقیقه حسن الخلق الا الله تعالی؛ حسن خلق یافته نمی‌شود مگر در وجود دوستان و برگزیدگان خداوند و آن چه در حقیقت خلق نیکوست، جز خداوند متعال کسی نمی‌داند”. رئیس مکتب جعفری نه تنها به بیان اهمیت و ارزش اخلاق بسنده نکرده، بلکه در سیره خود برای تمرینش بودن آن در جامعه به بیان موارد و مصداق‌های عینی آن نیز پرداخته تا مسأله مذکور، ملموس‌تر و محسوس‌تر شود. از آن حضرت در مورد مکارم اخلاق سوال شد، فرمود ”لأعیش أهنأمن حُسن الخلق؛ هیچ زندگی گوارتر از نیک خوئی نیست (وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۵۷۱). این حدیث به خوبی می‌رساند که اگر زندگی اجتماعی، خانوادگی و حتی انفرادی توأم با اخلاق باشد، برخوردار از شادی و نشاط خواهد بود.

اما امروزه با تحولاتی که در اجتماع بشری پدید آمده و اندیشه‌های گوناگونی که در عرصه معرفت بشری و به تبع آن تغییراتی که در زندگی آدمی روی داده است، دوحوزه اخلاق و تربیت نیز دست خوش دگرگونی شده‌اند. در برخی جوامع، اخلاق مذهبی کم‌کم جای خود را به اخلاق سکولار داده، نسبت‌گرایی اخلاقی به جای

1- Snary

مطلق‌گرایی اخلاقی نشسته و دیدگاه‌های نوینی در مبنای اخلاق پدیدار شده است. تربیت نیز از این تغییرات بی‌نصیب نمانده است، توسعه معنایی واژه تربیت و تاکید خاص بر تربیت حرفه‌ای و پرورش شهروندسازگار، غایت‌ها و کارکردهای اخلاقی و معنوی گذشته را از تربیت گرفته و بشر به عصری پا گذاشته است که آن را عصر خلأ و فراموشی ارزش‌ها به ویژه ارزش‌های اخلاقی و جاهلیت جدید نامیده‌اند (عبدالحلیم، ۱۳۷۹، ص). اکنون که "از سویی با بحران هویت انسانی و ارزش‌های اخلاقی و از سوی دیگر، با فزونی گرفتن انگیزه‌های فساد و انحراف، بشر امروزی ناگزیر است دوباره به ارزش‌های اخلاقی رو آورد" (نجاززادگان، ۱۳۸۸، ص ۲۲). به ویژه که بروز بحران‌های اخلاقی نگرانی‌های زیادی ایجاد کرده است. "از جمله اقداماتی که نشان دهنده این نگرانی عمیق و گسترده است اقدامی است که اخیراً بخش فرهنگی سازمان ملل متحد (یونسکو) در جهت آموزش ارزش‌های اخلاقی همراه با درس‌های علوم و تکنولوژی انجام داده است" (سادات، ۱۳۷۲، ج ۲، ص ۱۱۷)، چراکه برای همه روشن است که ناهنجاری‌های اخلاقی هر ملت، نابودی زودرس آن ملت را تداعی می‌کند. و پیش‌گیری از ناهنجاری‌ها، حفظ سلامت اخلاقی و عمل تربیت اخلاقی، بدون شناخت و اتکا مری به مبانی مقبول نظام ارزشی جامعه که توصیف‌کننده اموری از قبیل هستی، انسان، ارزش و معرفت باشد و اصولی تجویزی که راهنما عمل او واقع شود و نیز روش‌هایی که متناسب با شرایط بومی و دگرگونی‌های محیطی، پویایی خود را حفظ کند، نتیجه مطلوب نخواهد داد. زیرا "هر نظام تربیتی، پویایی‌اش در این است که اصول، روش و کارکردهای خودش را از حالت ایستا خارج کند و بتواند خواسته‌هایش را متناسب با دگرگونی‌های محیطی، شاداب و زنده نگه دارد (باقری، ۱۳۸۶، ص ۱۸۵). بنابراین رجوع به دیدگاه‌های رئیس مکتب جعفری و استنباط و استخراج اصول و مبانی و روش‌های تربیت اخلاقی از دیدگاه‌های ایشان و همچنین متناسب بودنشان با فرهنگ ایرانی-اسلامی می‌تواند راه گشای مرییان و متولیان امر تعلیم و تربیت در زمینه تربیت اخلاقی نسل کشور باشند. جامعه امروز ما نیز به عنوان بخشی از اجتماع بشری که همگام با عصر اطلاعات ناگزیر از جریان‌ها و اندیشه‌های گوناگون بشری متأثر شده است و چنین نگرشی عملاً بر بخش‌های مختلف نظام آموزشی ما، از جمله تربیت اخلاقی آن تأثیر گذاشته است. محتوا و کتب تعلیم و تربیت اخلاقی امروز جهان مبتنی بر آموزه‌های غربی و لیبرالیستی است و این کتب به تدریج در همه کشورهای جهان ترجمه و گسترش یافته است این در حالی است که لازم است در کشور ما که اشاعه تربیت اسلامی هدف اصلی نظام تربیت است تربیت اخلاقی باید مبتنی بر مبانی اسلامی از جمله قرآن و سیره ائمه اطهار باشد.

باتوجه به موارد مطرح شده در این پژوهش تلاش خواهد شد با رجوع به دیدگاه‌های اخلاقی امام صادق (ع) که رابطه‌ای وثیق و عمیق با آموزه‌های اصیل اسلامی دارد، به بیان مبانی، اصول و روش‌های تربیت اخلاقی بازشناسی گردد. علاوه بر اهداف ذکر شده، شناسایی موانع و آسیب‌های تربیت اخلاقی از منظر امام صادق (ع)، از جمله مسائلی است که در این تحقیق مورد توجه قرار خواهد گرفت.

این پایان‌نامه با توجه به نیاز هر چه بیشتر فرزندان در جامعه اسلامی به تربیت اخلاقی و با انگیزه بررسی و تشخیص، مبانی، اصول و روش‌های تربیت اخلاقی و شناسایی آسیب‌ها و موانع تربیت اخلاقی از دیدگاه امام صادق (ع) به نگارش درآمده است. در این تحقیق علاوه بر کتاب اخلاق از دیدگاه امام صادق (ع) به عنوان منبع اصلی، به منظور دقت هر چه بیشتر در استخراج، تحلیل و توصیف موضوع، از دیگر منابع و متون اخلاقی نیز استفاده شده است، که به روش کیفی و بر مبنای مطالعه کتابخانه‌ای به تحلیل موضوع می‌پردازد. گرچه در مورد دیدگاه‌های امام صادق (ع) در حوزه مختلف علوم اساسی (سیره اجتماعی، مسائل اعتقادی و...) مطالعاتی انجام گرفته، اما در مورد دیدگاه‌های ایشان در تربیت اخلاقی، مطالعه منظمی صورت نگرفته است.

۱-۳. اهداف پژوهش

۱-۳-۱. هدف کلی

”بررسی تربیت اخلاقی از دیدگاه امام صادق (ع)“

۱-۳-۲. اهداف اختصاصی

- بازشناسی و تبیین مبانی تربیت اخلاقی از دیدگاه امام صادق (ع)
- بازشناسی و تبیین اصول تربیت اخلاقی از دیدگاه امام صادق (ع)
- بازشناسی و تبیین روش‌های تربیت اخلاقی از دیدگاه امام صادق (ع)
- بازشناسی آسیب‌ها و موانع تربیت اخلاقی از دیدگاه امام صادق (ع)

۱-۴. اهمیت و ارزش پژوهش

اهمیت و ضرورت تحقیق پیرامون تربیت اخلاقی از آن جهت است که خسارت‌های ناشی از بداخلاقی‌ها بعضاً غیر قابل جبران است و «اصولاً وجود رذیله در انسان، موجب سلب نشاط و آرامش خاطر و بروز اضطراب و نگرانی‌ها می‌شود» (مظاهری، بی‌تا، ص ۹۹). معضلی که جوامع دور شده از ارزش‌های اخلاقی با آن دست به گریبان هستند.

کسانی که از اخلاق نیکو برخوردار نیستند، همواره هستی را در قالبی مبهم و تاریک در خواهند یافت، زیرا پالایشگاه درونی آنها از تصفیه واقعیاتی که از طرف هستی به درونشان وارد می‌گردد، ناتوان است. آنان همه واقعیات هستی را عبث و بی اساس می‌بینند؛ زیرا درونشان راهوا و هوس پر کرده است. به همین جهت است که هرگز دنیاراجدی نمی‌گیرند. (امید، ۱۳۸۸، ص ۱۴۸). بی‌شک ارزش موضوع و اهمیت تأثیر صفات فضایل اخلاقی در سلامت معنوی فرد و جامعه و خطر از بین رفتن این سلامتی و دور ماندن از سعادت و خوشبختی با وجود صفات رذایل اخلاقی، لزوم پرداختن به این امر مهم در همه دوره‌های زندگی انسان را نمایان می‌کند. زیرا «تجربه نشان داده است که انسان خواه متدین و خواه غیرمتدین هیچ گاه، حتی در دوره مدرن و پسامدرن، بی‌نیاز از اخلاق و تربیت اخلاقی نبوده و نیست... بنابراین، اخلاق و تربیت اخلاقی نقشی بسیار مهم در سلامت روح انسان و سعادت و خوشبختی فرد و جامعه دارد و از این جهت نیازمند توجه بیشتر است. به ویژه برای ما مسلمان، زیرا به اندازه‌ای که در دین ما به اخلاق و تربیت اخلاقی توجه شده در ادیان و مکاتب دیگر چنان توجهی نشده است» (داودی، ۱۳۸۸، ص ۵). به ویژه که ایرانیان نیز از دیرباز، به عنوان ملتی اخلاقی مشهور بوده‌اند و تربیت اخلاقی مورد توجه مربیان و اولیاء بوده است. وجود انسان به گونه‌ای ضعیف و ناقص آفریده شده است؛ به گونه‌ای که باید خود، ابعاد هستی خود را شکل دهد و به کمک قدرت اندیشه و اراده خویش استعدادهای مختلفش را شکوفا سازد و به کمال لایق خود برسد. بخشی از استعدادها و ابعاد وجود انسان، خلقیاتی هستند که کسب کند. اخلاق، استعدادی است که در وجود انسان نهفته است و برای آنکه انسان به کمال لایق خود برسد باید این جنبه از وجودش را نیز شکوفا سازد و این نوع کمال به واسطه سیستم اخلاقی میسر است (امید، ۱۳۸۸، ص ۳۰۸). هرگاه بدین حقیقت بنگریم که خلقت انسان به منظور تکامل و رشد معنوی اوست. یکی از غایات مهم بعثت که پیامبر اکرم (ص) آن را بیان فرموده، تتمیم و تکمیل خلقهای فاضل و صفات اخلاقی است (انی بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَرَمَ الاخلاق). (امید، ۱۳۸۸، ص ۳۰۸). دین انسان‌ساز اسلام، که برنامه‌اش رساندن انسان‌ها به اوج قله انسانیت و کمال و قرب پروردگار است. به اخلاق و تربیت اخلاقی عنایتی ویژه دارد و بخش عظیمی از قرآن کریم به آیات اخلاقی اختصاص یافته است. در قرآن کریم اگر در ابتدا آیه از احکام و قوانین الهی سخن رفته باشد در پایان آیه به برخی مسائل اخلاقی پرداخته می‌شود و این از جهت تأمین پشتوانه اخلاقی برای اجرای آن احکام است. زیرا